



حتی در مقابل معاون آمانو که رئیس گروه مذاکره کننده ژانس با ایران است حرف اول و آخر را یک خانم حقوقدان آمریکایی می زند.

کار گذاشته شده بودند. آن ها از روی اطلاعاتی که می دهیم می دانند که چند سانتریفیوژ قصد داریم نصب کنیم و چه قطعاتی لازم داریم. بنابراین جلو تجهیزات را می بندند و سپس مثلا پمپ خلاء که قرار بود از شرکت «AEG» خریداری شود را از این شرکت می گیرند، فرض کنیم خود این شرکت بی نقصی است، این سرویس های جاسوسی خرابکاری را انجام می دهند و بواسطه آن تجهیزات را به ایران می دهند. بنابراین در آن شرایط ما با ندادن اطلاعات شان ژانس را حفظ می کردیم که متهم نشود که با تروریست ها هم دست است. البته «DIQ» را اعلام می کردیم اما پس از آن که مراحل بگذرد.

وقتی می خواستیم مخزن اصلی راکتور اراک را جا به جا کنیم این مخزن را مخفی کرده بودیم تا متوجه نشوند که کدام کارگاه است. چرا که ممکن بود آن جا تهدید به ترور یا خرابکاری کنند و ... چند سال این مخزن را پنهان کردیم تا آن شرکت کارش را انجام دهد. البته خیلی دنبال این موضوع بودند. حتی وقتی می خواستیم جا به جا کنیم اطلاعاتی داشتیم که ممکن است با موشک استینگر آن را بزنند...

داخل خاک ایران؟!

مگر داخل ایران بمب و اسلحه نمی آورند؟ موشک استینگر که زیاد بزرگ نیست. از گیتار بزرگ تر است؟! (باخنده) شلیک موشک به مخزن اصلی راکتور و تغییر شکل آن یعنی از بین رفتن استاندارد ایمنی راکتور و غیر قابل استفاده شدن چرا که بعدا خود ژانس آن را تایید نمی کند. بنابراین باید دقت کنیم که دشمن کارگاه های ساخت ما را پیدا نکند. حتی مسیر انتقال را متوجه نشود. نتواند این کارگاه ها را تهدید یا ترور کند.

بگذارید موضوع دیگری را ذکر کنم. یک بار به یک گل فروشی از خارج از کشور تلفن زدند که دسته گلی را برای منزل فلانی ارسال کند و روی آن هم کارتی بگذارند با این متن «از طرف خانواده شهید ... به شما شهادت فرزندتان را تسلیت می گوئیم...» در صورتی که فرزند آن خانواده مهندس یکی از تاسیسات هسته ای است و هیچ اتفاقی هم برایش نیفتاده و سالم است و با این کار فقط فضای تهدید علیه او ایجاد می شود. آن ها تلفن ها و اسامی که به دست می آورند را ابزاری برای دست یافتن به اطلاعات بعدی می کنند و سپس مرحله تهدید و ارا عاب شروع می شود. حتی آگهی ترور دانشمندان ایران را با تصویر اخبار شبکه یک سیما تهیه کرده و برایشان می فرستند.

این موارد را خودم دیده ام. به همین دلیل باید شمار سانه ها اطلاع رسانی کنید که مردم بدانند با چه تلاش و چه اتفاقاتی به این حد از فناوری رسیده ایم. سال هاست این اتفاقات می افتد و عده ای می ترسند و وارد این حوزه نمی شوند و عده ای هم

مثلا همین «Design Information Questioner» (DIQ) که ژانس همواره می خواهد به معنی اطلاعاتی است که مربوط به طراحی و پیشرفت های تاسیسات ماست. ما این اطلاعات را همیشه به ژانس ارائه می کنیم. اما از یک برهه ای چون پروتکل تصویب نشده است «DIQ» را اعلام نمی کردیم. دلیل هم این بود که بازرس ژانس که صادقانه گزارش می دهد و مثلا اعلام می کند که فلان قطعه، مثلا پمپ فلان، هنوز نرسیده است یا نصب نشده است یا ... در نتیجه آن سیستم جاسوسی که این اطلاعات را بر می دارد به دنبال شرکت هایی در دنیا می رود که همان پمپ را می سازند و روی این شرکت ها فشار می آورند. بنابراین با آن کشور یا شرکت را مجبور می کنند که آن وسیله یا تجهیزات را به ما تحویل ندهند یا پس از انجام خراب کاری صنعتی اجازه می دهد که قطعات وارد ایران شود. یعنی مثلا اگر سیستم الکترونیکی است، وایروس خود را وارد آن کند یا مواد منفجره را جاسازی کند. یا حتی جنس قطعات را عوض کند تا سیستم دچار خوردگی شود.

چنین اتفاقاتی هم افتاده است؟!

تمام این هایی که گفتم اتفاق افتاده است. در یک برهه در شیر های خلاء که خریداری کرده بودیم، جنس دیا فرامگ ما را عوض کرده بودند که در مقابل گاز «یو اف ۶» خورده شود و از بین برود. یا مثلا الکترو موتور های را تغییر فاز داده بودند و به گونه ای طراحی شده بود که «پُرده» های خاصی در این قطعات تعبیه کرده و بارزین روی آن را پوشانده بودند. حدود ۶۰ الکترو موتور از این نوع به ما فروخته شده بود!

یعنی این اقدامات بر اساس اطلاعاتی بود که ما قبلا طبق پروتکل ها به ژانس داده بودیم؟

بله. بر مبنای تقاضای ما آن ها خود را تنظیم می کنند و با استفاده از سیستم های جاسوسی که دارند کانال های خرید ما را می بندند که کسی چیزی نفروشد و کانال هایی را باز می گذارند که کنترلش در دست خودشان باشد و از این راه تجهیزاتی را به ما ارائه می کنند که برای آن ها هم کارایی داشته باشد. مثلا بردهای الکترونیکی خاص، شنوهای خاص و ... مثلا وایروس استاکس نت را به همین شکل وارد کردند. یعنی در تجهیزاتی که از آن ها خریده بودیم این وایروس را کار گذاشته بودند.

یعنی این وایروس به این شکل وارد شده بود؟

بله. ببینید! شرکت هایی مثل زیمنس کاملا در دست سرویس های جاسوسی و خراب کار هستند. شرکت «ادواردز» انگلستان نیز به همین صورت است. این وایروس هم در «گیج» های این شرکت وارد شده بود. حتی مواد منفجره هم

حتما استفاده شده است. از نوع اطلاعاتی که سرویس های جاسوسی دارند معلوم است. من توضیح دادم که لازم نیست که مامور ژانس پول بگیرد و اطلاعات را بفروشد. بلکه محل هایی که ژانس اطلاعات را ذخیره می کند قابل دسترسی برای سرویس های جاسوسی است. در یک سخنرانی در ژانس من به یک نمونه اشاره کردم. در یک برهه سیم یکی از دکل های برق فردو، البته دور از فاصله ایمنی سایت، قطع شده بود. البته ما پیش بینی قطع برق را داشتیم و مواد پدافند غیر عامل لحاظ شده است. ممکن است که صهیونیست ها عواملی در داخل کشور و حتی داخل سایت ها داشته باشند. این که صهیونیست ها برخی افراد که اعتقادات ضعیف دارند را بخرند، اتفاق عادی است و با آن مواجه بوده ایم و در همه کشور ها وجود دارد. خوب شما تصور کنید برق قطع شده و مامور ژانس اعلام می کند که برای بازدید سر زده به ایران آمده است. مامور ژانس به دنبال این است که ببیند آیا سانتریفیوژ ها حالشان خوب است یا نه! من در ژانس این سوال را مطرح کردم که آیا بین این بازرسی ناگهانی و آن خراب کاری ارتباطی وجود دارد یا نه؟ بالاخره این شک می تواند به وجود آید. حتی ما نمی گوئیم که مامور ژانس خبر دارد. ممکن است به او سیگنال هایی داده باشند که باید سر زده برود فردو. ما باید این هشدار را بدهیم که ژانس باید مراقب باشد و به این نکته هم احتمال بدهد که آن چه درباره ما می گویند ممکن است صحت نداشته باشد.

اگر اجازه بدید من وارد بحث توافق هسته ای نروم. در این توافق ایران برای موارد زیر تعهد داده است: «فراهم کردن اطلاعاتی مشخص برای ژانس بین المللی انرژی اتمی، از جمله اطلاعات مربوط به طرح و نقشه های ایران برای تاسیسات هسته ای، توصیف و شرحی کامل از ساختمان هر یک از سایت های هسته ای، توصیف و شرحی کامل از گستره عملیات های هر یک از تاسیساتی که به طور خاص به فعالیت های هسته ای مشغول هستند، اطلاعات در مورد معادن و شرکت های نورد اورانیوم و اطلاعات در مورد مواد منبع. این اطلاعات ظرف مدت ۳ ماه پس از پذیرش انجام این اقدامات، فراهم می گردد.»
بر این اساس سوال من این است که آیا ارائه چنین اطلاعاتی باعث برهم خوردن امنیت شبکه های تامین مواد ایران نمی شود؟

همه این ها یعنی پروتکل الحاقی و کد ۳/۱ و کد ۳/۱ اصلاحی.

که در گزارش های ژانس همواره ذکر می شود ایران این موارد را اجرا نمی کند؟

بله. ما البته مشکلی برای اجرا نداریم و عملا همه این ها را اجرا می کنیم. مثلا تمام سایت های ایران تحت بازرسی است. کل فرآیند تولید ۲۰ درصد چه در نطنز و چه در فردو تحت بازرسی و نظارت مامور ژانس است و این مامور همه مواد غنی شده را وزن می کند و گزارش خود را با صحت کمتری بیشتر از یک گرم یک دهم گرم اعلام می کند. بنابراین ژانس همان طور که در گزارش ها اعلام می کند سابقه تولید همه مواد غنی شده ایران را دارد. البته ما ردیابی کرده ایم که از روی همین گزارش ها، سرویس های امنیتی غرب نحوه عملکرد کیفیت و کارایی ماشین های ما را استخراج کرده اند تا بفهمند آیا خراب کاری های شان روی ماشین های ما اثر کرده یا نه. یعنی همین گزارش های ژانس یکی از مهم ترین منابع سرویس های جاسوسی برای آن است که بدانند آیا روش هایی که به کار گرفته اند موثر بوده یا نه؟ لورفته یا نه؟ همیشه هم دیده اید که قبل از این که دست خود ما برسد روترز و آسوشیتد پرس آن را منتشر می کنند. ما باید بپذیریم که اگر اطلاعاتی از کشور برداشت شود، این اطلاعات لومی رود. چه ماهواره ای و چه ایمیلی، به هر نحوی که آن را منتقل کنند بالاخره به دست منابع امنیتی می افتد.

حالا از روی همین گزارش ها آن ها به توان جداسازی ماشین های ایران پی می برند و به عددی دست می یابند که نشان می دهد غنی سازی ما رو به افزایش است یا کاهش. یا